

تغییر دین در رهیافت ادیان ابراهیمی و عقلانیت حکم آن در گفتمان قرآن کریم

مقاله پژوهشی
اصیل
Original
Article

قاسم محسنی مری،^۱ جبار امینی^۲

چکیده

هدف: تغییر دین، بریدن از صورت قدیمی باورها، شیوه زیست و گرایش به گروه‌های دینی، شیوه زندگی، نظام‌های اعتقادی و روش نوین ارتباط با الوهیت است که در جستار حاضر به این موضوع در ادیان ابراهیمی پرداخته شد. **روش:** پژوهش حاضر با شیوه توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر اسناد کتابخانه‌ای، تغییر دین را در ادیان ابراهیمی بررسی کرده است. **یافته‌ها:** این مفهوم در ادیان ابراهیمی یهودی و مسیحی به صورتهای نودینی، بدعت و ارتداد و مؤلفه‌های همبسته به آن آمد. چنین پدیده‌ای در پیش‌دینداران و متولیان دینی یهودی و مسیحی، ناخوشایند بوده و روی‌آوری به آن هم همسان نبوده است. تغییر دین در مؤلفه ارتداد در روایت متن مقدس به معنی بیرون رفتن از دایره ایمان است و گزاره‌های آن با سویه توصیه‌ای و حکمی به صورت خشونت‌آمیز بیان شده و شیوه اجرای آن نیز در طول تاریخ از سوی خوانندگان و متولیان دینی در پیوند با عناصر فرامتنی و مؤلفه قدرت بوده است. اما مفهوم تغییر دین در گفتمان قرآن کریم، تنها در مؤلفه ارتداد مطرح شده که پیامد آن، افزون بر حبط اعمال، مجازات اخروی را در هم پی دارد. **نتیجه:** بر اساس این پژوهش، وجود تغییر دین در روایتگری قرآن کریم با زوایای عقلانیت و مؤلفه‌های آن بررسی شد و در پی آن، احکام قرآن کریم در این خصوص، موجه دانسته شد.

واژگان کلیدی: دین، تغییر دین، عقلانیت، ارتداد، فرقه‌گرایی

◇ تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۲۲

۱. دکترای الهیات، شاخه علوم قرآن و حدیث؛ استاد مدعو دانشگاه آزاد اسلامی (نویسنده مسئول).
goshadandish@gmail.com
۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اسلامشهر. اسلامشهر، ایران.
amini.jk46@yahoo.com

الف) بیان مسئله

تغییر دین^۱ در میان ادیان و پیروانشان موضوعی حساس و ناخوشایند است که از زوایای متعدد تاریخ الهیات، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی قابل بررسی است. این مؤلفه، بریدن از یک صورت زیست قدیمی، نظام‌باوری و گروه دینی ویژه و پیوستن به گروه‌های دینی، شیوه‌های زندگی، نظام‌های اعتقادی نوین و شیوه‌های جدید ارتباط با الوهیت است. مفهوم تغییر دین در نظام گفتمانی ادیان ابراهیمی در گستره دینهای یهودی، مسیحی و اسلام که از سنت ابراهیم (ع) الهام گرفته‌اند، در معرض برداشتهای ناهمسان است. کاربست این مفهوم در جامعه دینی یهود^۲ با عنوان ارتداد برای افرادی است که از پیمان خود با خدا سرپیچی کرده و از دایره ایمان خارج شده‌اند. در مسیحیت با گستره مفهومی بیشتر، شامل نودینی^۳ بدعت، فرقه‌گرایی و ارتداد خوانش شده و به معنای خروج از ایمان مسیحی دانسته شده است (کرمی‌پور، ۱۳۹۲: ۱۱۶-۹۹). در گزاره‌های اسلامی، تغییر دین با مؤلفه ارتداد به معنی بیرون رفتن از دایره اسلام خوانش شده و افزون بر احکام فقیهانه، حبط اعمال و مجازات اخروی را هم شامل می‌شود.

این مفهوم از نظر وجودشناسی و بودگی در کتاب مقدس به صورتهای متفاوتی آمده است. اما برداشتهای آن و صدور احکام در میان کنشگران و فهمندگان دینهای یهودی و مسیحی در پیوند با مؤلفه قدرت و عناصر همبسته به آن در زمانهای متفاوت، در دگرگونی بوده است. برداشت فقیهانه و اخلاقی این مفهوم در آموزه‌های اسلامی در گستره ارتداد از نظر بودگی در میان دانشوران اسلامی همسان بوده؛ ولی از نظر مصداقی متفاوت است. در این راستا می‌توان گفت که گزاره‌های دین اسلام در این باره از عقلانیت برخوردار است. با توجه به این گفته‌ها، پرسشهای این پژوهش چنین صورتبندی می‌شوند:

یک) تغییر دین در ادیان ابراهیمی چگونه است؟

دو) رهیافت قرآن کریم و فقیهان درباره تغییر دین چیست؟

سه) عقلانیت گزاره‌های قرآن کریم درباره تغییر دین چگونه است؟

1. Conversion

۲. با خاستگاه عبری (Shubh)، به معنای برگشت دوباره است.

۳. نودینی با دامنه‌ای از تغییرات ابتدایی در گستره فکری، اجتماعی و اخلاقی است که این تصور را به فرد می‌دهد که به نیروی معنوی دست یافته است. نودینی «تجربه انتقالی»، «وضعیت گذار» و «تغییر پارادایمی» است که به طور عمیقی زندگی فرد نودین را دچار تغییر و تحول می‌کند. این دگرگونی در الگوی مسیحی می‌توان به پولس قدیس از این نودینان اشاره کرد. (توفیقی، ۱۳۸۵: ۱۳۷)

این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر اسناد کتابخانه‌ای، رهیافت ادیان یهودی و مسیحی را در این گستره بیان کرده و رویکرد قرآن کریم را در این خصوص آورده و در ادامه، عقلانیت این مفهوم را در گفتمان متن وحیانی خوانش کرده است.

۱. پیشینه و ضرورت پژوهش

این نوشتار درباره تغییر دین با مؤلفه ارتداد به گونه‌های متفاوت حقوقی، عرفانی، تطبیقی میان ادیان و مفهوم‌شناسی انجام شده است. جستار «ارتداد در اسلام و یهود» (الهی‌منش، ۱۳۹۶) مسئله را از نظر جرم‌شناسی و تعیین مجازات قانونی بررسی کرده است. مقاله «ارتداد راز گونه؛ کندوکاوی در عرفان سیاسی یهود» (کرمانی، ۱۳۸۷) این مفهوم را به عنوان نوعی تقیّه فعال و نه منفعل و پدیده‌ای سیاسی با توجیهات عمیق عرفانی برای کنار زدن رقبا و دشمنان یهود دانسته است. نوشته «بازخوانی موضوع ارتداد از زاویه اجبار بر تغییر عقیده در پرتو آموزه‌های قرآنی و حدیثی» (ایروانی و حق‌پناه، ۱۳۹۸) به مجازات مرتد در قرآن و روایات و شائبه اجبار فرد مسلمان بر حفظ دین و تحمیل عقیده با زور پرداخته است. مقاله «ارتداد و آزادی اندیشه (مقایسه تطبیقی اسلام، مسیحیت و یهودیت)» (زاهدی اصل و هاشمی، ۱۳۹۷) نسبت این مفهوم را با آزادی اندیشه در رهیافت ادیان بررسی کرده است. در ادامه با مؤلفه نودینی، نوشتار «نودینی در یهود» (گندمی، ۱۳۸۳) دلایل رویگردانی از دین پیشین را در رهیافت یهودی بازخوانش قرار داده است. اما نوشتاری درباره تغییر دین با مؤلفه‌های ناهمسان در ادیان ابراهیمی و عقلانیت احکام ارتداد در آموزه‌های اسلام انجام نشده است.

۲. معناشناسی ارتداد

مفهوم «ارتداد» در رهیافت زبان‌شناسی اسلامی از واژه «رَدَد» گرفته شده و به معنای مطلق رجوع از چیزی به چیز دیگر، بازگشت (راغب، ۱۳۷۷: ۱۹۳-۱۹۲)، منصرف شدن و پشت کردن به چیزی است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۳: ۱۷۲؛ جوهری، ۱۴۰۷، ج ۲: ۴۷۳). در فرهنگ دینی، بازگشت به کفر، «ارتداد و رده» نامیده می‌شود (راغب، ۱۳۷۷: ۱۹۳-۱۹۲). در این نگره، ارتداد دارای دو معنای مطلق رجوع و دیگری، بازگشت به کفر^۱ است. تغییر دین در دین یهود به ارتداد در معنای «بازگشت از پیمان» خوانش شده است (دوم تاریخ، ۱۹/۲۹؛ یوشع، ۲۲/۲۲؛ ارمیا، ۵/۱۷)؛ ولی در

۱. کفر در معنای پوشاندن چیزی از روی آگاهی و بالاترین حد کفر، انکار خداوند از روی لجابت است. (راغب،

مسیحیت و در گامی فراتر، در گستره ارتداد،^۱ بدعت،^۲ فرقه گرایی^۳ و نودینی^۴ آمده است. در این رهیافت، بدعت به ترک یا رد بخشی از آموزه‌های یک دین اشاره دارد^۵ و ارتداد، انکار اصل و تمام آن دین را شامل می‌شود که در احکام همسان انگاشته شده است. بدعت و فرقه گرایی در مسیحیت امری درون‌دینی و همبسته به جدایی رسمی از وحدت کلیسا و رد مرجعیت پاپ دانسته شده است (برودریک، ۱۹۹۴: ۳۰۳). ارتداد در متن مقدس مسیحی، برگشتن یا فرار از ایمان (اول تیموتاؤس، ۱/۴) و جدا شدن از خدای زنده پس از باور پیشین به او و در ادامه، دور شدن از ایمان حقیقی به مسیح است (لوقا، ۱۳/۸؛ عبرانیان، ۴/۶-۵). در گستره الهیات مسیحی هم بریدن آگاهانه از راست کیشی، سنت رسولان پیشینی و منشی ناسازوارانه با متون مقدس است. (مک‌کیم، ۱۹۹۶: ۱۹۷؛ گریدی، ۱۳۷۷: ۱۴-۱۲)

معنای اصطلاحی ارتداد در اندیشه اسلامی با گونه‌های آن،^۸ بازگشت به کفر با علم و آگاهی و کفر پس از ایمان^۹ است که با انکار ضروریات دین و تکذیب عقاید و احکامی که در اسلام ثابت می‌باشند، تعریف می‌شود. رفتارهایی همانند انکار رسالت، تنقیص شریعت، اهانت به خداوند و پیامبر اکرم (ص) یا مباح شمردن حرامها یا انکار واجبات پی‌گیری می‌شود (امام خمینی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۱۸). این مفهوم در پندار برخی با تعبیر «خروج عن مله»^{۱۰} خوانش شده که به نظر می‌رسد اشاره به امور اجتماعی و نگهداشت داشته‌های مسلمانان و اسرار امنیتی باشد (حلی، ۱۴۱۴، ج ۱: ۴۵۷). البته تحقق کنش ارتداد، همبسته به شرایطی است که فقیهان با رهیافتهای فقهی ناهمسان (شیعی و سنی)، عمده آن را با کمی اختلاف در بلوغ، عقل، اختیار

۱. Apostasy؛ برگرفته از واژه یونانی (ἀποστασία) apostasia به معنی شورش، فرار، کناره‌گیری و ارتداد (الیاده، ۱۹۹۳، ج ۱: ۳۵۳) که در مسیحیت، ترک ایمان مسیحی خوانش شده است. (لاولور، ۱۹۸۱، ج ۱: ۶۷۹)

2. Heresy

3. Schism

4. Conversion

۵. بدعت در خوانش متن بر خلاف خوانشگری کلیسای کاتولیک، گناه و سرکشی در برابر خداوند است. (برودریک، ۱۹۹۴: ۱۶۳)

6. Broderick

7. Mckim

۸. مرتد فطری؛ کسی که پدر یا مادر وی مسلمان بوده و بعد از بلوغ، آیین اسلام را پذیرفته و سپس کفر بورزد (نجفی، ۱۳۷۰، ج ۶: ۴۸۸-۴۸۹). مرتد ملی؛ کسی که پدر و مادرش کافر بوده و بعد از بلوغ، اظهار کفر کرده سپس مسلمان شده و دوباره به کفر بازگشته است. (امام خمینی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۴۹۹)

۹. «الارتداد، هو الکفر المتعقب للإیمان» (شهید ثانی، بی‌تا، ج ۲: ۱۱۲؛ خوئی، ۱۳۸۶، ج ۴۱: ۳۹۱؛ علم‌الهدی، ۱۴۱۳، ج ۲۳: ۲۲؛ قمی، بی‌تا، ج ۲: ۷۴۲؛ الجزیری، بی‌تا، ج ۱۵: ۴۲۲؛ ابن‌قدامة، ۱۴۰۴، ج ۱۰: ۷۲)

۱۰. «الرده هی الخروج عن مله بالکفر».

تغییر دین در رهیافت ادیان ابراهیمی و عقلانیت ... ♦ ۱۴۷

و قصد دانسته‌اند. (شهید ثانی، ۱۳۸۹، ج ۹: ۳۴۱؛ محقق حلی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۱۸۳؛ الشیخ نظام، ۱۴۰۰، ج ۲: ۲۵۳؛ ابن منویان، ۱۳۷۸، ج ۲: ۴۰۷)

ب) تغییر دین در روایتگری یهود

بررسی مفهوم تغییر دین در نظام گفتمانی عهد عتیق، همبسته به شیوه تکوینی عهد عتیق در سنت نوشتاری و شفاهی و هم کنشی آن با پدیده‌های تاریخی است. به هر رو، این مفهوم در مؤلفه ارتداد، از مفاهیم چالشی و ناگوار در دین یهود و عامل ایجاد درد و رنج برای یهودیان است (بن‌سسون، ۲۰۰۷: ۲۷۷). بازخوانی مفهوم ارتداد در روایت کتاب مقدس با دو سویه وجودشناختی و معرفت‌شناختی و در ادامه از نظر احکام و شیوه رویارویی با آن، قابل پی‌جویی است. از نظر معرفت‌شناختی، روایتگری تورات از ارتداد با گونه‌های روی‌گردانی از خدا (ارمیا، ۵/۱۷؛ اول سموئیل، ۱۵/۱۱)، حقیقت (حزقیال، ۲۰/۳)، شکستن عهد خدا و ترک شریعت متمرکز (ارمیا، ۱۹/۲)، بدعت گروهی و فراخوانی مردم به غیر خدا (تثیه، ۵/۱۷؛ ۶/۳-۱۲)، انجام کارهای غیر اخلاقی (دانیال، ۹/۹-۱۱) و روی‌آوری به بت‌پرستی (حزقیال، ۱۰/۱۸-۱۳؛ ارمیا، ۲۹/۷-۳۰) معرفی شده است. بر این اساس، رهیافت تورات به مسئله ارتداد، همبسته به نوع کنشهای پیروان با ویژگی امور یادشده بیان داشته که افراد به تناسب موقعیتها دین‌گریزی را اختیار کردند.^۲ در رهیافتی دیگر، ضعف ایمان یهودیان عامل ارتداد دانسته شد. بر پایه گزارش کتاب مقدس، پادشاهان بنی‌اسرائیل همانند سلیمان (اول پادشاهان، ۱۱: ۱۳-۱)، اخاب (اول پادشاهان، ۱۶: ۳۳-۲۹)، اخزیایا (اول پادشاهان، ۲۲: ۵۳-۵۱)، یهورام (دوم تواریخ، ۲۱: ۶-۵)، آحاز (دوم تواریخ، ۲۸: ۴-۱)، آمون (دوم تواریخ، ۳۳: ۲۳-۲۱) و منسی (دوم تواریخ، ۳۳: ۱۹-۱)، به دلیل ضعف ایمانشان مرتد شده و کنشهای عبودی و مناسکی را برای دیگر خدایان انجام دادند. در نگره نوین، یهودیان بر اساس سنهدرین،^۳ خود را برگزیده خدا و عهد خدا با بنی‌اسرائیل را پیوسته دانسته و در صورت ارتداد و ضعف ایمان، از کیش یهودی خارج نمی‌شوند. (ویگودر، ۱۹۹۶، ج ۳: ۲۱۱؛ بن‌سسون، ۲۰۰۷: ۲۷۶-۲۷۵)

1. Ben-Sasson

۲. در رهیافت قرآن، احترام خون‌آدمیان در تورات، در پیوند با ایمان به خدا نبوده و گناه کشتن انسان بدون ارتکاب قتل یا فساد، همسان با کشتار همه انسانهاست (مانده: ۳۲). بر اساس مضمون آیه، ارتداد عقیده بدون محاربه‌گری و فساد، جرم انگاشته نشده است. (عزیزیان، ۱۳۸۹: ۵۴)

۳. دادگاه و شورای عالی یهودیان که متشکل از ۲۳ داور یا قاضی یا ربی در هر شهر یا ۷۱ قاضی از تمام شهرهای سرزمین باستانی اسرائیل به عنوان سنهدرین بزرگ بود که در اورشلیم تشکیل می‌شد و به دعاوی قضایی، اداری و مذهبی رسیدگی می‌کرد.

4. Wigoder

سویه دیگر، رویکرد حکمی تورات به این پدیده است که افزون بر روایتگری سختگیرانه و خشونت آمیز، در گامی فراتر از متن، با مؤلفه‌های فرازبانی و در نسبت با نهاد قدرت به آن نگریسته می‌شود و شیوه اجرای احکام آن بر اساس رفتار، دارای شدت و ضعف است و در زمانه ضعف سیاسی، تنها به لعن و اخراج از ملت بسنده شده است (صبری، بی تا: ۲۸۴)؛ در حالی که واکنش تورات در برابر کنش بنی اسرائیل در نسبت ارتباط انسان با خدا که برای خود خدایی جز خدای یهود را برگزیده‌اند، شدید است. در روایتی، سنگسار به عنوان مجازات ارتداد برای بازگشت به عبودیت خداوند بیان شده است: «اگر در میان شما در یکی از دروازه‌هایی که خداوند عطا نموده مردی یا زنی یافت شود که خدایان غیر را عبادت کرده و بر آنها سجده نماید؛ یعنی آفتاب یا ماه یا هر یک از عساکر آسمان که من امر نفرموده‌ام، آن مرد و زن را از اندرون دروازه‌های بیرون آر و سنگسارشان نما تا بمیرند» (تثنیه، ۲/۱۷-۵، ۱۳/۶-۱۲). در گامی، خشونت درباره اغواگران از شدت بیشتری برخوردار است: «اگر کسی از اقوام تو (افراد خانواده‌ات) تو را اغوا کرده و بگوید که خدای دیگری را عبادت کن، قبول نکن و او را به قتل برسان و با سنگ سنگسارش کن تا بمیرد؛ چرا که می‌خواسته تو را از بندگی خدا دور سازد. حتی اگر در شهری افرادی چنین بودند، همه ساکنان شهر را به دم شمشیر بکش و هر که در آن است با بهایمش هلاک و تمام محتویاتش را به آتش بکش» (تثنیه، ۱۶-۶/۳). سختگیری تورات در این خصوص، حتی رویا دیدن بدعت و بازگو کردن آن برای دیگران را هم شامل می‌شود (تثنیه، ۱۷/۵-۱). این حکم، پیامبری را که مردم را منحرف کند و ذبح حیوانات را برای غیر خدا انجام دهد نیز در بر می‌گیرد. (خروج، ۲۰/۳)

احکام سختگیرانه ارتداد در روایتگری تورات، شامل شیوه روی آوری به نام خدا و آشکارسازی آن هم می‌شود.^۱ نام خدا در روایتگری یهود بیانگر گستره فعالیت و بازنمونی از قدرت و عظمت اوست. بنابر این، برخورداری از حمایت خدا نیاز به گام نهادن در قلمرو ویژه او دارد (کاسیرر، ۱۳۸۷: ۹۶-۹۵). از این نظر، خداوند با نام مقدس خود در میان قوم حضور یافته و نام او نماینده قدرت و اراده اوست (دنی، ۱۹۹۵، ج ۱۰: ۳۰۱). در این رهیافت، تورات احکام سختگیرانه ارتداد را درباره کاربرد ناروای نام خدا چنین بیان می‌دارد: «از نام من که خداوند، خدای تو هستم سوء استفاده مکن. اگر نام مرا با بی‌احترامی بر زبان بیاوری، یا به آن قسم دروغ بخوری، تو را مجازات می‌کنم» (خروج، ۷/۲۰). روایت واژه «یهوه» به عنوان وصف

۱. در مصر باستان هم نام خدا اهمیت داشته و در سرودهای دینی، هنگام ستایش آمون-رع، نام مقدس او پنهان سروده می‌شد (پریچارد، ۱۹۹۶: ۳۶۷-۳۶۶)

تغییر دین در رهیافت ادیان ابراهیمی و عقلانیت ... ♦ ۱۴۹

ویژه خداوند در سخنان روزمره، آن طور که نوشته می‌شود (یهوه)، از گناهان کبیره شمرده شد (تثنیه، ۴/۵-۴/۶)؛ گستره خشونت در عدم تکریم زمانه به دلیل فعالیت، جرم دانسته و مجازات مرگ بر آن خوانش شد (خروج، ۱۰/۲۰-۱۵/۸-۱۴). چنین شیوه سختگیرانه‌ای، در روایت مفسران متن تنخ که کنارگذاری اصول اساسی دین یهود را به منزله بیرون رفتن از جامعه دینی دانسته‌اند، قابل پی‌جویی است. (کهن، ۱۳۸۲: ۳۲۱)

ج) تغییر دین در گفتمان مسیحیت

تغییر دین در مسیحیت در حوزه وجودشناختی متکی به عناصر متنی و فرامتنی می‌باشد. در رهیافت تاریخی، مسیحیت شریعتی برآمده از یهود است و بنیانگذار آن، راه نجات را انجام آموزه‌های عهد عتیق دانسته است (لوقا، ۱۸: ۲۱-۱۸). از این نظر، مسیحیان آغازین، یهودیانی بودند که مسیح را به عنوان مسیحای عهد عتیق پذیرفته (یوحنا، ۵/۳۹؛ اعمال، ۱۷/۱۱) و استقلال دین نوین (مسیحیت) نیز از یهودیت، با رویداد سال ۶۶ میلادی و قیام نوکیشان در برابر رومیان و ستیزه‌جویی با یهودیان تقویت شد (دورانت، ۱۳۷۰، ج ۳: ۶۷۹-۶۷۶). نودینی در رویارویی خشونت‌آمیز یهودیان، دستگیری پولس^۱ و تکفیر مسیحیان توسط فریسیان یهودی در شورای جامینا بازنمون یافت که باعث جدایی جامعه نوپای مسیحی از یهودیان شد. از این نظر، نودینی به عنوان شکلی از تغییر دین به عنوان کنش مثبت در مسیحیت تلقی شده که با تغییر ناگهانی دین و ورود به آیین نوین همراه بود. مؤلفه‌های مفهوم نودینی در صورت‌بندی تجربه انتقالی^۲، وضعیت‌گذار و تغییر پارادایمی^۳ در شخصیت تاریخی پولس تجلی یافت (رهنما، ۱۳۹۱: ۲۵-۲۸). در برابر نودینی، اشکال دیگر تغییر دین، بدعت و ارتداد است که در آغاز تکوین، معنای روشن شدن حقیقت از آن برداشت می‌شد و پولس بدعت را عامل روشن شدن حقیقت سنت می‌دانست (اول قرن‌تین، ۱۹/۱۱). ولی به دلیل هم‌کنشی مسیحیت با دیدگاهها و شعایر دیگر، این مفاهیم در معرض برداشتهای ناهمسان قرار گرفت. (کورت، ۲۰۰۵^۴، ج ۶: ۳۹۲)

۱. شانول/سولس متولد طرطوس با تأثیر از کلیسه اورشلیم و پیشه خیمه‌دوزی، به عنوان جمال‌الشریعه یهودیان، در آغاز در برابر مسیحیت ایستاد و در ادامه با پذیرش مسیحیت، مبلغ مسیحی شد. (خاچیکی، ۱۹۸۲: ۱۳۰)

۲. نودینی، با تجربه خودانتقالی پیامد نو بودن زندگی، شادمانی، لذت، صلح، آرامش و درک زندگی در سطح بالاتر به مثابه خودیابی است.

۳. تغییر پادایم و الگوواره، نوعی چارچوب شناختی است که در نودینی در پی هدف جدید و معنای نوین در زندگی است.

در ادامه، مفاهیم دوگانه بدعت و ارتداد در مسیحیت، در برابر ایمان مسیحی و مؤلفه سنت یا راست‌دینی^۱ تعریف شد (گریدی، ۱۳۷۷: ۱۴-۱۲). در باور مسیحیان، مرز بدعت و راست‌دینی در زمانه بنیانگذار دین مسیح مشخص نشد؛ ولی با تشکیل نهاد کلیسا و باور کلیسا به راست‌کیش‌پنداری خود، مفاهیم ارتداد و بدعت در راستای ناهمسویی با این نهاد خوانش شد (کورت، ۲۰۰۵، ج ۶: ۳۹۲۰). این خوانش نوین از سنت که بر اساس عناصر فرامتنی استوار بود، با تاریخ کلیسا آمیخته شد و ملاکهای سه‌گانه ایمان مسیحی، کتاب مقدس، اعتقادنامه و روحانیت را ایجاد کرد (برانتل، ۱۳۸۴: ۴۱-۴۰). مبانی نوین ایمان گروهی به عنوان عامل دفاعی کلیسا در برابر رقیبان بوده که با خوانش بدعت و ارتداد، مخالفان خود را از دایره ایمان مسیحی خارج می‌کرد. این شکل از ایمان گروهی مسیحی، رنگ فرقه‌گرایی و سیاسی‌گرفت و هر کدام، گروه‌های جدا شده از دایره خود را بدعت‌گذار و مرتد خواند.

بر اساس روایت تاریخی، رویکر مسیحیت با بدعت‌گذاران و مرتدین همسان نبوده است. بن‌مایه‌های مجازات مرتدین از نظر هستی‌شناسی در عهد جدید قابل پی‌جویی است (عبرانیان، ۶/۶-۴؛ ۱۰/۳۸-۳۹)؛ اما خاستگاه احکام مجازات مرتدین در مسیحیت، ریشه در آموزه‌های تورات دارد که با دگردیسی به صورت گسترده و بیشینه‌خسونت داخل مسیحیت شد (الیاده، ۱۹۹۳: ذیل ارتداد). مسیحیت در آغاز تکون به دلیل سختی‌ها، روند تسامحی با مرتدین را در پیش گرفت (متی، ۲۵/۵، ۴۳-۳۹). چنین کنشگری تسامحی در عصر رسولان به منظور دفاع از مسیحیت راست‌کیش در برابر امپراتوری روم، آیینها و گروه‌های بدعت‌گذار و مرتدان، قابل پی‌جویی است (کونگ، ۲۰۰۳: ۴). اما با تثبیت و قدرت‌گیری مسیحیت به عنوان دین مستقل، نقش متولیان دینی و کلیسا در تعیین ارتداد پررنگ شد و خروج از ایمان مسیحی به بیرون رفتن از دایره نگرش و شیوه آیینی کلیسا دانسته شد (برودریک، ۱۹۹۴: ۳۷). در ادامه با پیدایش گروه‌های مسیحی و نگره‌های متفاوت از ایمان مسیحی و اینکه هر کدام از گروه‌ها خود را راست‌کیش و دیگری را ناباور می‌پنداشت، شیوه سختگیری و خسونت گسترده شد (سلیمانی، ۱۳۸۲: ۱۰۷-۱۰۶؛ کونگ، ۱۳۸۴: ۸۵). در این میان، توماس آکویناس (متوفی ۱۲۷۴ م) برخورد شدیدی با مرتدان را معجز دانست و برای برداشت خسونت‌آمیز خود بدون استناد به تورات یا انجیل، از شیوه قیاس و اولویت دادن جرم ارتداد در نسبت به جرم جاعلان پول و دزدان بهره جست (توفیقی، ۱۳۸۴: ۲۵۱). کلیسای کاتولیک بر اساس نگره او، هزاران نفر از بدعت‌گذاران مسیحی را سوزاند (کونگ، ۱۳۸۴: ۱۸۸) یا گردن زد (همان: ۲۲۰). مجازات سختگیرانه شامل

1. Orthodoxy
2. Kung

نگهداری کتاب مرتدان هم شد و در برخی موارد، اجازهٔ دفن و کفن کشتگان داده نشد (سلیمانی، ۱۳۸۲: ۱۲۶؛ کونگ، ۱۳۸۴: ۱۳۳). این شیوهٔ خشونتی با ایجاد دادگاههای تفتیش عقاید در جنگهای صلیبی و گرفتن اعتراف، موجب فرونی گسترهٔ خشونت برای بی‌ایمانان و توبه‌شکنان شد. سختگیری دوران قرون وسطی زمینه را برای ایجاد دیدگاههای اعتدالی فراهم کرد^۱ و احکام خشونت، به لعن و تکفیر تبدیل شد. چنین دگردیسی‌ای در اجرای احکام مرتدین و بدعت‌گذاران را می‌توان در سکولار شدن کلیسا، عدم تناسب بین جرم و جزا و زمینه‌های نارضایتی جستجو کرد. برخی از دانشوران مسیحی (آگوستین) تلاش کردند دین و آموزه‌های مسیحی را از فهم عقلانی خارج سازند و سوبیهٔ ایمانی به آن ببخشند (سلیمانی، ۱۳۸۲: ۱۵۲؛ دورانت، ۱۳۷۰، ج ۴: ۲۸-۲۰). در ادامه، اندیشهٔ اصلاحی مجازات ارتداد توسعه یافت؛ تا جایی که اجرای خشونت با روح مسیحیت ناسازگار انگاشته شد. (متسکیو، ۱۳۶۲: ۳۴۰)

د) ارتداد در قرآن کریم و روایات

تغییر دین در قرآن با مفهوم ارتداد و معنای بازگشت از دین^۲ و برگشت به کفر، در سوره‌های متفاوت آمده که شامل حبط اعمال و عذاب اخروی می‌شود (مانده: ۲۱، ۵۴؛ بقره: ۲۱۷؛ آل عمران: ۸۶؛ نساء: ۱۳۷؛ توبه: ۷۴؛ محمد: ۲۵؛ یوسف: ۹۶). ارتداد در گفتمان قرآن کریم، منش زیستی انکارگرایانهٔ دین (برگشت به کفر)، عملی بر خلاف عقل، همراه با علم و آگاهی و آشکارگی حقیقت است. انکار حقیقت در این رهیافت به خاطر لجاجت است: «چگونه خداوند قومی را که بعد از ایمانشان کافر شدند هدایت می‌کند با آنکه شهادت دادند که این رسول بر حق است و برایشان دلایل روشن آمد؛ و خداوند قوم بیدادگر را هدایت نمی‌کند» (آل عمران: ۸۶، ۹۱). افزون بر آن، در این روایات، ارتداد با کلمهٔ «کفر بعد از اسلام» معرفی شده که انکار حق همراه با ستیزه‌جویی پس از شناختن حق است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳: ۵۲۶). بیان گزارهٔ «و هو کافر» پس از «وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ» (بقره: ۲۱۷) نمایانگر برگشت به کفر پس از ایمان و پوشاندن حق از روی آگاهی و تعمد می‌باشد و کفر نیز در معنای پوشاندن حق پس از شناختن حق می‌باشد و انکار از روی ناآگاهی و کوتاهی کفر دانسته نمی‌شود. در روایات هم موضوع ارتداد را روی گردانی از اسلام و بازگشت به کفر (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج

۱. دانشوران مسیحی در دوران پسینی به ارتداد و مجازات پرداخته و این کنش محکوم کرده و جرایم را به گونه‌های مذهبی، اخلاقی، آرامش عمومی و امنیت افراد تقسیم و کیفرها را به تناسب آن بیان کردند. (متسکیو، ۱۳۶۲: ۳۴۰)
۲. گسترهٔ ارتداد در نیت (قصد بازگشت از دین اسلام برای گرویدن به ادیان دیگر)، گفتار و رفتار کفرآمیز، انکار ضرورت دین و مذهب، سب انبیا و امامان (ع) را بیان کردند (حلبی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۳۸۰؛ شهید ثانی، ۱۳۸۹، ج ۹: ۳۳۳)

۲۸: ۳۲۸) و انکار دین پس از آگاهی از حقانیت اسلام آمده است (همان: ۳۲۳). در این رهیافت، موضوع احکام ارتداد تنها تغییر دین نیست؛ بلکه انکار دین پس از آگاهی از حقانیت آن است. در روایتی از امام صادق (ع) در پاسخ به پرسش درباره کسی در وجود خدا و رسول تردید کند، فرمودند: «چنین فردی کافر است و کفر وی زمانی است که انکار کند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۳۹۹). به نظر می‌رسد چنین خوانشی از مسئله ارتداد، معرفتی نیست؛ بلکه لجاجت و اصرار بر کفر پس از شناخت حق است (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ج ۱۵: ۴۳). در منطق قرآن، کافر انسان لجوجی است که آگاهانه و عامدانه و بهره مند از صفت خودبزرگ‌بینی و استکبار، با شیوه‌های ظالمانه، غیر اخلاقی و غیر عقلانی همانند سب، توهین، تمسخر، دروغ و تهمت، حقیقتی را که یقین به حقانیتش دارد، انکار کرده و به ستیزه با عقیده و ایمان دیگران می‌پردازد. در این راستا، حکم ارتداد برای رویارویی با ستیزه‌جویانی که با عقلانیت و آزادی عقیده مخالف بوده و برای نگهداشت حریم عقل، منطق و سیره عقل از خطر فتنه‌جویان، بیان شده است.

در بخشی از روایتگری قرآن کریم، گفتار و رفتار ارتدادی به عنوان راهکاری از جانب کافران خوانش شده که رفتاری مجرمانه و غیر عقلانی تلقی شده است (آل عمران: ۷۲). بر این اساس، گروهی از یهودیان برای گسست و تضعیف وحدت جامعه اسلامی از شیوه ارتداد بهره جسته و با شیوه تخریب فرهنگی، آغاز روز بیان می‌داشتند که ما مسلمان شدیم و حرف پیامبر شما را قبول کردیم و آخر شب پشیمان شده، آن را انکار می‌کردند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳: ۴۰۵). بنا بر روایتهای قرآنی، تغییر باور گاهی با تلاش عقلانی در پرتو وحی باعث روی آوری به حقیقت می‌شود که در این صورت، مطلوب است. اما گاهی نه تنها خود از حقیقت دور شده، بلکه با آگاهی، تعمّد و با سویه ستیزه‌جویی با حق، زمینه را برای کفرورزی دیگران در جامعه فراهم می‌آورد و بدین گونه یک جریان‌سازی در جامعه اسلامی اتفاق می‌افتد. پیامد تغییر باور این‌چنینی، افزون بر ساحت معنوی که سویه‌های کمال انسانی و فطری را به خطر می‌اندازد، به سلامت روانی جامعه آسیب زده و راه اهانت‌ورزی به مقدّسات دینی را آماده و ایمان افراد را سست می‌کند و در نهایت، این کنش کفرآمیز، نوعی تجاوز به حقوق افراد به حساب خواهد آمد. با این نگرش، اسلام به نظام اجتماعی اهمیت داده و بر نگهداشت آن از تهدیدهای بیرونی و درونی جامعه اسلامی توجه کرده و حکم ارتداد را تشریح کرده تا بتواند مانع هر گونه سوء استفاده از حریم اندیشه شود.

ه) ارتداد در رهیافت دانشوران اسلامی

احکام تغییر دین در مفهوم ارتداد، در رهیافت دانشوران مسلمان با نگرهٔ زبانی و درون‌متنی همسان نمی‌باشد. در دیدگاهی، حکم ارتداد را در تعارض با آزادی اندیشه دانسته و آن را بر ساخت فقیهان انگاشته که مستند قطعی از جانب قرآن و سنت بر آن ارائه نشده و بر این اساس، آیات مورد استناد فقیهان در خوانش متفاوت به کار رفته است (البنا، ۱۹۹۸: ۵۵-۲۵؛ غروی اصفهانی، ۱۳۷۵: ۹۱). در این خوانش، دلیل موافقان ارتداد را بر لزوم واکنش سختگیرانه، مغایر با متن دانسته و خداوند را برای مجازات این افراد شایسته‌تر دانستند. «اگر خدای تو می‌خواست، همهٔ مردم جهان ایمان می‌آوردند. آیا تو می‌خواهی مردم را به اکراه به ایمان وادار کنی؟» (یونس: ۹۹). در گمانهٔ دیگر با رهیافت سختگیرانه، تغییر باور را به همراه شماری از رفتارها، عامل پاشانی نظام حاکمیت اسلامی دانسته و برابر با شریعت اسلام برای ارتداد مجازات مرگ قرار داده‌اند. این دیدگاه، ارتداد را بر ضد دین اسلام پنداشته و نظام اجتماعی اسلام را بر پایهٔ آموزه‌های دین اسلام خوانش کرده و سهل‌انگاری در امور مرتدان را عامل نابودی نظام اسلامی تلقی کرده است. بنابر این، به منظور نابودی ریشه‌های جرم و بازدارندگی مجرمین از جرم و نگهداشت نظام اجتماعی دینی، برخورد شدیدی با مجرمان می‌شود (عوده، بی‌تا، ج ۱: ۶۶۲-۶۶۱). در این نگره، هم از عنصر زبانی و هم متنی بهره جستند.

در پندار برخی نیز ضمن درخواست مجازات حداکثری مرتدین، آنان را همراستا با جاسوسانی دانسته که در پی براندازی نظام اجتماعی بر پایهٔ دین اسلام می‌باشند و بر آن پای می‌فشارند (سیحانی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۱۳۰-۷۱). در اندیشه‌ای دیگر، احکام ارتداد را ناظر به مصالح جامعه و آثار روانی اجتماعی و مطلوب آن مورد توجه قرار داده است (مصباح، ۱۳۷۴: ۱۰۶) و احکام مجازات ارتداد را در راستای حکمت و ناظر به امنیت روانی برای جامعهٔ ایمانی دانسته و آثار روانی بر کسانی خوانش شده که به اسلام آگاهی کافی ندارند و با سوئیٔ دیگر مجازات، معیاری برای سنجهٔ عقل و عاملی برای بیداری فطرت گفته شده است. در این خوانش، خداوند با قرار دادن و تشریح حکم ارتداد، بشر را به این موضوع آگاه کرده که در پذیرش دین با سوئیٔ تحقیقی، آگاهانه و فطرت بیدار بسنجند و راهی را گزینش کنند که به ارتداد و مجازات آن نینجامد (همان: ۱۰۸-۱۰۶). در ادامه، برخی معقولیت حکم ارتداد را در پیوند با کلیات شریعت و احکام جزئی را در نسبت به مقاصد و اسباب نزول آیات در نظر گرفته‌اند. در این نگرش، احکام جزئی باید در سازگاری با احکام کلی باشد. بنابر این، حکم ارتداد به عنوان حکم جزئی در راستای حکم کلی شریعت و ناظر به اسباب نزول که سبب‌ساز

چنین حکمی شده است، می‌باشد. از سوی دیگر، با توجه به مقاصد عمومی شریعت که مصالح عموم و شریعت را در نظر می‌گیرد، تغییر عقیده بعد از تشکیل حکومت اسلامی، به مثابه خروج بر حکومت اسلامی است (الجابری، ۱۹۹۴: ۱۷۳). ارتداد در این سویه با گسترانیدن باور ناشایست، امنیت سیاسی جامعه را به خطر می‌اندازد؛ زیرا با بازگشت از اسلام، شخص مرتد در جایگاه غیر علمی و استدلالی، با ابزار گوناگون، باورهای انحرافی را در سطح اجتماع ترویج می‌کند و بر ضد دین و عقاید مسلمانان به توطئه‌گری اقدام کرده، نظم جامعه اسلامی را بر هم می‌زند که تجاوز به حریم اجتماعی و حقوق عمومی شمرده می‌شود. بنابراین، مرتد در جامعه اسلامی با شیوه تبلیغی آموزه‌های غیر الهی و ایجاد بی‌نظمی و از بین بردن آرامش روانی جامعه و براندازی حاکمیت اسلامی، یاریگر دشمنان اسلام بوده که مورد پذیرش عقلانی نیست. در این راستا، ارتداد موجب عقوبت است و احکام مجازات آن از فروع آزادی عقیده و حق تدین شمرده نمی‌شود. (صرامی، ۱۳۷۶: ۱۷۷)

بنا بر آنچه بیان شد، در نظام دین اسلام با محوریت توحید؛ باورها و گفتارها و رفتارهای آدمی بر پایه نزدیکی یا دوری از آن (توحید) سنجیده می‌شود و نخستین گام در فضیلت آدمی، سازواری زیستی انسان در همه ساحتها با آن محور است. در این سامانه، با دو نگره اخلاقی و فقیهانه به آن نگریسته می‌شود. بر پایه نگره اخلاقی، اگر کسی اسلام را بپذیرد و آگاهانه اصول آغازین آن؛ یعنی توحید و مؤلفه‌های هم‌راستای آن (معاد و نبوت) را انکار کند، در حقیقت حق خدا در پرستش و اطاعت را کتمان کرده و مرتد است. آزادگی اخلاقی اقتضا دارد با ایجاد محدودیتهای اخلاقی، جلوی چنین منکر دینی گرفته شود. این بخش از ارتداد با برخورد سخت فقیهانه و احکام ارتداد همراه نخواهد بود. اما در سویه دیگر، افزون بر انکار حق خداوندی، حقوق فردی و اجتماعی افراد در جامعه دینی نادیده گرفته شده و آرامش روانی و زیست اجتماع ایمانی آسیب می‌بیند. به ویژه آنجا که ارتداد جنبه اجتماعی یافته و در پی جریان‌سازی در آید؛ در این صورت، احکام ارتداد جاری می‌شود. در همه این پنداشتها از عنصر زبانی و متن دین برای استدلال احکام ارتداد استفاده شده است.

در ادامه باید افزود که احکام دنیوی ارتداد در آیات الهی نیامده و تنها به وعید اخروی و حبط ایمان اشاره شده است؛ اما فقها با بهره‌مندی از روایات احکام ناهمسان، حد و تعزیر را که توسط حاکم اسلامی با رعایت عناصر فرامتنی تعیین می‌شود، برای آن در نظر گرفته‌اند. در نوشتار اهل سنت، جرمهای موجب حد را هفت جرم؛ شامل زنا، قذف، شرب خمر، سرقت، محاربه، ارتداد و بغی دانسته‌اند (عوده، بی‌تا، ج ۱: ۷۹)؛ اما در بیشتر متون فقهی امامیه،

تغییر دین در رهیافت ادیان ابراهیمی و عقلانیت ... ۱۵۵

ارتداد جزء جرایم حدّی ذکر نشده است (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۸: ۳۷؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸: ۵۰). در فقه امامیه با تفکیک ارتداد به فطری و ملی، احکام آن را جداگانه بیان داشته‌اند که این جداسازی در میان فقهای مکاتب چهارگانه اهل سنت وجود ندارد (الشیخ نظام، ۱۴۰۰، ج ۲: ۲۵۴-۲۵۳). اما به طور عمده مجازات ارتداد؛ اعدام، زندان ابد، محرومیت از ارث، تقسیم اموال، عدم پذیرش توبه، از بین رفتن پیوند زناشویی و ممنوعیت ازدواج و غیره بیان شده است. (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۸: ۶۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸: ۶۰۵؛ مغنیه، ۱۴۰۴: ۵۰۰؛ عوده، بی تا، ج ۱: ۷۲۸)

(و) عقلانیت گزاره‌های دین اسلام

عقلانیت گزاره‌های نظری دین اسلام به این معناست که گزاره‌ها و باورهایی که اساس دین و پایه‌های باورهای دینی را تشکیل می‌دهند، از طریق عقل و استدلالهای منطقی قابل اثبات باشند. در نمونه‌ای، برهان اثبات وجود و صفات خدا که در کتابهای کلامی مسلمانان آمده، بازنمایی از خردپذیری و عقلانیت نظری است.^۱ تأکید قرآن بر تعقل با کاربست واژه عقل و مشتقات آن با بسامدی چهل باره، تفکر، تدبیر و فراخوانی امت اسلام به آن، بازنمونی از رویکرد دین اسلام به عقلانیت است. در این راستا، اگر دین و باورهای دینی عقلانی و خردپذیر نباشد، فراخوانی یادشده از جانب دین تشویق به جهل است؛ که از سوی خداوند حکیم امکان‌پذیر نیست. بخشی از آیات، قرآن کریم را به عنوان منبع دین اسلام، با واژه حکمت توصیف کرده که از جانب خداوند حکیم نازل شده است: «کتابی است که آیات آن استحکام یافته، سپس از جانب حکیمی آگاه به روشنی بیان شده است.» (هود: ۱؛ بقره: ۲۳۱؛ نسا: ۵۴؛ مائده: ۱۱۰). همنشینی کتاب و حکمت، نمایانگر حکیمانه و عقلانی بودن قرآن کریم است (آل عمران: ۵۸؛ یونس: ۱). بخشی از آیات بر ضرورت حکیمانه بودن دعوتگری اسلام، خردپذیری دین اسلام و عقلانیت دین، حکایت دارند. (نحل: ۱۲۵)

در ادامه باید افزود که عقلانیت گزاره‌های دین با صورتبندی توصیفی و توصیه‌ای قابل بررسی است. گزاره‌های توصیفی یا نظری، حاکی از واقعیات امور عینی و خارجی‌اند و نیاز به دلایل برهانی دارند. این سنخ از گزاره‌ها از ویژگی‌های معرفت‌شناسانه ویژه‌ای برخوردارند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۱۶۸-۱۶۷). اما گزاره‌های توصیه‌ای (دستوری) همانند گزاره‌های فقهی و اخلاقی، از ادراکات اعتباری بوده و با سویه عقلانیت عملی سنجیده می‌شوند. با توجه به اینکه انسان موجودی کمال‌جو است؛ پیمودن آدمی از نقص به سوی کمال، نیازمند

۱. کتاب «تجريد الاعتقاد» خواجه نصير طوسي (۱۴۰۷: ۱۹۳) با مقدمات عقلی تلاش کرد صفات جمال و جلال الهی را اثبات کند.

امور اعتباری برای رفع کاستی و نواقص است. در این راستا، تکالیف فقهی و گزاره‌های اخلاقی اعتبار شده‌اند تا کمالاتی را که آدمی ندارد، جبران کنند. اعمال عبادی تکلیفی همانند نماز واجب شده است تا استكمال و قرب به حق را در آدمی فراهم کنند. گزاره‌های اخلاقی همانند «عدالت خوب است» برای رفع نیاز آدمی در زیست اجتماعی به عدالت است؛ زیرا بدون تحقق عدالت یا سایر اعتبارات اخلاقی، سعادت جامعه و فرد به خطر می‌افتد (همان: ۱۶۶). بنابر این، امور اعتباری باعث حرکت آدمی به سوی کمال و رستگاری انسان می‌شود. تشریح احکام با سویه‌های فقیهانه و اخلاقی در جهت مصالح جامعه برای دستیابی به نیاز واقعی و کمال است.

بر این اساس، گزاره‌های اعتباری در صورتی عقلانی‌اند که بر اساس شناخت نیازهای واقعی انسان و در راستای اهداف متعالی اعتبار شده باشند و از طرفی، محتوای آنها به گونه‌ای باشد که در صورت تحقق عملی، موجب پیدایش آن هدفها شوند (کمالی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۳-۶۲). از این نظر، گزاره‌های توصیه‌ای دارای عقلانیت عملی می‌باشند؛ زیرا سعادت دنیوی و اخروی و قرب به خدا به مثابه عقلانی‌ترین هدف، با تکالیف فقیهانه و اخلاق دینی در پیوند است. ارزش و عقلانیت این گزاره‌ها هم، بسته به پیامد و غایتی است که در گرو اجرای آن گزاره‌ها و تضمین رستگاری و سعادت‌مندی انسان است و این تکالیف، نقش ابزاری برای تحقق اهداف الهی را دارند. (نحل: ۹۷؛ توبه: ۲۱، ۷۲؛ بقره: ۲۵)

ز) احکام تغییر دین در اسلام با نگره عقلانیت

تغییر دین، افزون بر بهره‌مندی از اختیار، باید از پشتوانه عقلانیت در سویه‌های نظری و عملی برخوردار باشد. بخش آغازین مؤلفه تغییر باور (برخوردار از عنصر اختیار و آزادی از جانب آدمی) امری ضروری است؛ زیرا سنجش عقلانی کنش آدمی همبسته به آن است. در آموزه‌های دینی، انسان با ویژگی‌های اختیار، انتخابگر و خلیفه یاد شده که با بهره‌مندی از این شاخصه‌ها، فاعل یا کنشگر آزاد است (بقره: ۳۰). ارزشمندی کنش آدمی در گرو اختیار، مسئولیت‌پذیری و هدفمندی آدمی در زیست خود می‌باشد. در این راستا، عقلانیت آزادی تغییر باور در گام نخست باید بر پایه اختیار باشد که لازمه آن، دانایی و گستره دانشی نسبت به موضوع و کنش اندیشه‌ای درباره آن از بابت عقلانیت نظری است و در گام دیگر، هدفمندی و منفعت‌داری آن به عنوان عقلانیت عملی است. بر پایه عقلانیت نظری، آدمی در پرتو آزادی با بهره‌جویی از مؤلفه استدلال پس از دریافت پیامی، تلاش می‌کند با کنش ذهنی، بهترین آنها را گزینش کند: «بشارت بده بندگان را که به سخن گوش فرامی‌دهند و

بهترین آن را پیروی می‌کنند. اینان‌اند که خدایشان راه نموده و اینان‌اند همان خردمندان» (زمر: ۱۷-۱۸). اما تغییر دین در گستره عقلانیت عملی بر پایه احکام تکلیفی و اخلاقی به منظور کمال آدمی (قرب و رضوان الهی) است. بودگی گزاره‌ها و احکام اخلاقی در قرآن کریم برای زیست بهتر در جامعه و رها شدن از نهنجاری‌ها ضرورت یافته است؛ زیرا عدم تحقق اعتبارات فقیهانه و اخلاقی، سعادت افراد و جامعه را دچار مشکل می‌کند. بنابر این، تشریح احکام با سویه‌های فقیهانه و اخلاقی در گستره تغییر دین، به منظور مصالح جامعه برای دستیابی به نیاز واقعی و کمال است.

در گفتمان اسلام، باورمندی به توحید و خدامحوری، مولد هنجاری اخلاقی بوده و رفتارهای مؤمنان را سامانمند می‌کند. هم‌کنشی‌ها در پرتو اخلاق دینی، رفتار منصفانه با افراد انسانی، حتی با مخالفان را ایجاد می‌کند. باورمندی به گزاره‌های دینی درباره حضور در محضر الهی و باور به آخرت و معاد، فرد را از بند وابستگی به دنیا می‌رهاند و افزون بر آن، به آدمی وسعت نظر می‌دهد که هستی را محدود به دنیای مادی نکند و اینکه، ذره‌ای از اعمال انسان بدون محاسبه نمی‌ماند. چنین بینشی، بستر ساز نوعی اخلاق ویژه است که پیامد آن، احترام به آزادی دیگران می‌باشد و در ادامه، تولیدکننده آزادی در خود فرد و آزادسازی درونی اوست. در این بصیرت اخلاقی، انسان تا زمانی که دوستدار دنیا و اسیر شهوات، خشم و حرص خود باشد، نمی‌تواند از آزادی دیگران پاسداری کند. (مطهری، ۱۳۷۸: ۲۶)

بنابر این، تغییر دین با مؤلفه اختیار و لوازم دانایی با گستره دانشی نسبت به موضوع و بهره‌مندی از استدلال درباره پیامهای دریافتی، ارزشمند است. اما ارتداد در گفتمان اسلامی، بازگشت به کفر است که کنشی انکاری برای پوشاندن حقیقت پس از آشکارگی آن است که پدیده‌ای بر خلاف عقل است. با این توضیح که گزاره‌های نظری دین اسلام که اساس دین و پایه‌های باورهای دینی را تشکیل می‌دهند، از طریق عقل و استدلالهای منطقی قابل اثبات می‌باشند. فراخوانی امت اسلام به تعقل، تدبیر و تفکر در گفتمان قرآن کریم، بازنمونی از رویکرد دین اسلام به عقلانیت نظری است. از سوی دیگر، بر پایه عقلانیت عملی تبیین گزاره‌های توصیه‌ای بر اساس شناخت نیازهای واقعی انسان و در راستای اهداف متعالی برای پیمایش آدمی از نقص به سوی کمال است که به صورت تکالیف فقهی و وظایف اخلاقی بیان شدند. از این نظر بازگشت به کفر، نوعی رجوع به بی‌استدلالی و نقصان است. با نگره روان‌شناختی نیز فراخوانی افراد به بازگشت به کفر که با جریان‌سازی و اهداف خاصی

صورت می‌گیرد، افزون بر آسیب‌رسانی به ساحت معنوی و کمال انسانی، سلامت روانی جامعه را با خطر مواجهه می‌سازد که خلاف عقلانیت عملی است.

تغییر دین مورد اقبال گفتمان قرآن کریم بر پایه انسان‌شناسی و هستی‌شناسی ویژه است که در آن، پیوند انسان با خدا و هستی بازخوانش شده و قواعد متناسب با نیازهای واقعی انسان و اهداف متعالی را اعتبار داد که به صورت پدیدارشناسی در روایتهای تاریخ اسلام با گذر از جاهلیت و روی‌آوری به اسلام قابل دریافت است. بنابر این، آزادی تغییر دین نیز بر مبنای عقلانیت نظری و عملی، بر پایه مؤلفه‌هایی است که با دارا بودن آن ارزشمند است و در صورت عدم آن، عقلانیت بی‌وجه می‌شود.

ح) نتیجه‌گیری

تغییر دین در یهود، در معنی بازگشت از پیمان خداست که تورات آن را به صورت شکستن عهد خدا و ترک شریعت متمرکز، بدعت گروهی و فراخوانی مردم به غیر خدا، انجام کارهای غیر اخلاقی، روی‌آوری به بت‌پرستی و ضعف ایمان روایت کرده است. روی‌آوری حکمی متن مقدس هم نسبت به آن بسیار سختگیرانه است؛ ولی شیوه اجرای احکام در پیوند با عناصر فرازبانی و به تناسب موقعیتها، از شدت و ضعف برخوردار بوده است. به تعبیری؛ یهودیان در زمانه ضعف در برابر مرتدین، روش آسانگیری را در پیش می‌گرفتند و آموزه‌های در این خصوص را تأویل می‌کردند.

مفهوم تغییر دین در مسیحیت در معنای بازگشت از ایمان مسیحی است که به اشکال نودینی، بدعت، ارتداد و فرقه‌گرایی بازنمون یافته است. در این میان، نودینی به عنوان کنشی مثبت تلقی شده، ولی اشکال دیگر آن منفی دانسته و مجازاتی برای آن تعیین شده است. مفهوم ایمان مسیحی به دلیل عوامل فرامتنی همانند استقلال مسیحیت، هم‌کنشی با قومیتها و ایجاد نهاد کلیسا، در معرض برداشتهای متفاوتی قرار گرفت و به همین سبب، مفاهیم دوگانه بدعت و ارتداد نیز در تقابل با آن دستخوش برداشتهای ناهمسان شد. افزون بر آن، برخورد شدید و خشونت‌آمیز با مرتدان در پندار برخی (آکویناس)، فراگیرتر از متون دینی و ایمان مسیحی، در ناهنجاری‌های اجتماعی همانند جعل پول و دزدی تسری یافت.

تغییر دین در گفتمان قرآن کریم با مفهوم ارتداد به معنای برگشت به کفر و کفر پس از ایمان است. در این نگرش، قرآن کریم با انسان‌شناسی و هستی‌شناسی ویژه، پیوند انسان با خدا و هستی را بازخوانی و قواعد متناسب با آن را توصیف و تبیین کرده است. عقلانیت گزاره‌های توصیه‌ای بر اساس شناخت نیازهای واقعی انسان و در راستای اهداف متعالی

می‌باشند. تغییر دین بر مبنای عقلانیت نظری و عملی، بر اساس مؤلفه‌هایی است که با دارا بودن آن اعتبار می‌یابد و در صورت عدم آن، عقلانیت بی‌وجه می‌شود. این پژوهش به تغییر دین در رهیافت ادیان ابراهیمی و عقلانیت حکم آن، تنها در گفتمان قرآن کریم پرداخته است؛ اما گستره بحث عقلانیت ارتداد در بینش فقها و احکام آن و نیز رهیافت تطبیقی عقلانیت و عدم عقلانیت ارتداد در میان ادیان ابراهیمی به گونه تطبیقی، به عنوان پژوهش‌های جدید پیشنهاد می‌شوند.

منابع

- ابن قدامه، موفق‌الدین (۱۴۰۴ ق). **المغنی**. بیروت: دارالفکر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق). **لسان العرب**. بیروت: دار صادر.
- ابن منویان، ابراهیم بن محمد بن سالم (۱۳۷۸ ق). **منار السبیل فی شرح الدلیل**. دمشق: المطبعه الهاشمیه.
- البناء، جمال (۱۹۹۸ م). **حرية الفكر و الاعتقاد فی الاسلام**. قاهره: دارالفکر الاسلامی.
- الجابری، محمد عابد (۱۹۹۴ م). **الديمقراطية و حقوق الانسان**. بیروت: مرکز دراسات الوحده العربیه.
- الجزیری، عبدالرحمن (بی تا). **الفقه علی، المذاهب الأربعة**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- الشیخ نظام (۱۴۰۰ ق). **الفتاوی الهندیه**. بیروت: داراحیاء التراث العربی، چ سوم.
- امام خمینی، روح‌الله (۱۴۰۹ ق). **تحریر الوسيله**. قم: دارالکتب العلمیه اسماعیلیان.
- ایروانی، جوادی و دیگران (۱۳۹۸). «بازخوانی موضوع ارتداد از زاویه اجبار بر تغییر عقیده در پرتو آموزه‌های قرآنی و حدیثی». مشکوه، ش ۱۴۲: ۷۰-۵۰.
- برانتل، جورج (۱۳۸۴). **آیین کاتولیک**. ترجمه حسن قنبری. قم: مرکز ادیان و مذاهب.
- توفیقی، حسین (۱۳۸۵). **آشنایی با ادیان بزرگ**. تهران: طه.
- توفیقی، حسین (۱۳۸۴). **آشنایی با ادیان بزرگ جهان**. تهران: سمت، چ هفتم.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳). **تفسیر تسنیم**. قم: اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ ق). **الصحاح**. بیروت: دارالملايين.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق). **تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشرعیه**. قم: آل‌البت.

- حلبی، حمزه بن علی بن زهره (۱۴۱۷ ق). **غنیه الوعالمی الاصول و الفروع**. تحقیق ابراهیم بهادری. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- حلبی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۴ ق). **تذکره الفقهاء**. قم: آل البیت.
- خاچیکی، سارو (۱۹۸۲ م). **اصول مسیحیت**. تهران: حیات ابدی.
- خوئی، سید ابوالقاسم (۱۳۸۶). **مبانی تکمله منهاج**. قم: مؤسسه احیاء آثار امام خویی، چ سوم.
- دورانت، ویل (۱۳۷۰). **تاریخ تمدن**. تهران: انقلاب اسلامی.
- راغب اصفهانی (۱۳۷۷). **معجم مفردات الفاظ القرآن**. تحقیق ندیم مرعشلی. قم: مرتضوی.
- رهنما، اسحاق (۱۳۹۱). **بررسی نظریات نودینی؛ با تأکید بر رویکرد لوئیس رمبو**. پایان نامه کارشناسی ارشد ادیان ابراهیمی. قم: دانشگاه ادیان.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۲). **مدخل مسائل جدید در علم کلام**. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- سلیمانی، عبدالرحیم (۱۳۸۲). **یهودیت**. قم: آیات عشق.
- شهید ثانی، زین الدین (۱۳۸۹ ق). **روضه البهیة، شرح اللمعه الدمشقیة**. تحقیق سید محمد کلاتر. قم: جامعه النجف الدینیة.
- شهید ثانی، زین الدین (بی تا) **رسائل الشہید**. قم: کتابخانه بصیرتی.
- صبری، حافظ (بی تا). **المقارنات و المقابلات**. مصر: مطبعه هندیة.
- صرامی، سیف الله (۱۳۷۶). **احکام مرتد از دیدگاه اسلام و حقوق بشر**. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ ق). **المیزان فی تفسیر القرآن**. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۴۰۷ ق). **تجرید الاعتقاد**. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ ق). **المبسوط فی فقه الامامیه**. تهران: المکتبه المرتضویه إلیاء الآثار الجعفریه.
- علم الهدی، سید مرتضی (۱۴۱۳ ق). **السلسله ینایع الفقیهیه**. بیروت: مؤسسه فقه الشیعه.
- عوده، عبدالقادر (بی تا). **التشریع الجنایی الاسلامی**. بیروت: دارالکاتب العربی.
- غروی اصفهانی (۱۳۷۵). **«مصاحبه با آیه الله غروی اصفهانی»**. مسجد، ش ۲۵: ۹۱.
- قمی، میرزا ابوالقاسم (بی تا). **جامع الشتات**. چاپ سنگی، [بی جا]: [بی نا].
- کاسیرر، ارنست (۱۳۸۷). **فلسفه صورتهای سمبلیک**. ترجمه یدالله موقن. تهران: هرمس.

تغییر دین در رهیافت ادیان ابراهیمی و عقلانیت ... ❖ ۱۶۱

- کرمانی محمدبهاد (۱۳۸۷). «ارتداد رازگونه؛ کندو کاوی در عرفان سیاسی یهود». *انسان پژوهی دینی*، دوره پنجم، ش ۱۶: ۱۷-۳.
- کرمی پور، الله کرم (۱۳۹۲). «تغییر دین و شخصیت». *پژوهشهای ادیانی*، سال اول، ش ۲: ۹۹-۱۱۶.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ ق). *الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کمالی، محمد مهدی و همکاران (۱۳۹۵). «ثبات یا نسیت گزاره‌های اخلاقی از دیدگاه علامه طباطبایی». *آموزه‌های فلسفه اسلامی*، ش ۱۸: ۵۱-۷.
- کونگ، هانس (۱۳۸۴). *تاریخ کلیسای کاتولیک*. ترجمه حسن قنبری. قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- کهن، آبراهام (۱۳۸۲). *گنجینه‌ای از تلمود*. ترجمه فریدون گرگانی. تهران: اساطیر.
- گریدی، جوان (۱۳۷۷). *مسیحیت و بدعتها*. ترجمه عبدالرحیم سلیمانی. قم: مؤسسه فرهنگی طه.
- گندمی، رضا (۱۳۸۳). «نودینی در یهود». *هفت آسمان*، ش ۲۳: ۱۴۸-۱۲۱.
- محقق حلّی، ابوالقاسم جعفر بن حسن بن یحیی بن سعید (۱۳۸۹ ق). *شرایع الاسلام*. نجف: مطبعه الآداب.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). *آزادی معنوی*. تهران: صدرا.
- مغنیه، محمدجواد (۱۴۰۴ ق). *الفقه علی المذاهب الخمسه*. بیروت: دارالجواد، دارالتیّار الجدید.
- منتسکیو، شارل لویی (۱۳۶۲). *روح القوانین*. ترجمه علی اکبر محمدی. تهران: امیرکبیر، چ هشتم.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۷۰). *جواهر الکلام فی شرایع الاسلام*. قم: صدرا.
- هاشمی، سید حامدحسین و علیرضا زاهدی اصل (۱۳۹۷). «ارتداد و آزادی اندیشه (مقایسه تطبیقی اسلام، مسیحیت و یهودیت)». *گفتمان فقه و اصول*، ش ۴: ۶۶-۳۷.
- Ben-Sasson, Haim Hillel (2007). "Apostasy". In: *Encyclopedia Judaica*, Vol.1, Jerusalem.
- Broderick, Robert C. (1994). *Concise Catholic Dictionary*. Catechetical Guild Educational Society.
- Denny, Frederick (1995). "Names and Naming". *Encyclopedia of Religion*. Mircea Eliade (ed.). New York.
- Eliade, Mircea (1993). *The Encyclopedia of Religion*. Macmillan Publishing Company, 16v.
- Kung Hans (2003). *The Catholic Church: A Short History*. Translated by: John Bowden. New York: A Modern Library Chronicles Book.

- Kurt, Rudolf (2005). **“Heresy: An Overview”**. Translated by Matthew J.O. Connell. *Encyclopedia of Religion*. Lindsay Jones (ed). Thomson, Vol. 6.
- Lawlor, F.X. (1981). **“Apostasy”**. In: *New Catholic Encyclopedia*, V. 18. Washington D.C.: Catholic University of America.
- Mckim, Donald (1996). **Westminster Dictionary of Theological Terms**. Westminster John Knox Press.
- Pritchard, James B. (1996). **Ancient Near Eastern Texts Relating to the Old Testament**. Princeton: Princeton University Press.
- Wigoder, Geoffrey (1996). **Encyclopedia Judaica**. Israel: Encyclopedia Judaica Jerusalem.

- ترجمه منابع فارسی
- **Translated sources**
- Alam al-Huda, Sayyid Murtadha (1413 AH). **The chain of Yanabi al-Fiqh**. Beirut: the foundation of Shiite jurisprudence.
- Al-Banna, Jamal (1998). **Freedom of Thought and Belief in Islam**. Cairo: Dar al-Fikr al-Islami.
- Al-Jaberi, Mohammad Abed (1994). **Democracy and Human Rights**. Beirut: Center for Arab Studies.
- Al-Jaziri, Abdul Rahman (No Date). **Fiqh Ali, Al-Madhahab Al-Arabah**. Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi.
- Al-Sheikh Nezam (1400 AH). **Indian Fatwas, third edition**. Beirut: Darahiyah Al-Tarath Al-Arabi.
- Brantel, George (2005). **Catholicism**. Translated by Hassan Ghanbari. Qom: Center for Religions and Religions.
- Cassirer, Ernst (2008). **Philosophy of Symbolic Forms**. Translated by Yadollah Moghan. Tehran: Hermes Publishing.
- Durant, Will (1991). **History of Civilization**. Tehran: Islamic Revolution Publications.
- Gandami, Reza (2004). **“Nodini in Judaism”**. *Haft Aseman*, 23: 121-148.
- Gharavi Esfahani (1996). **“Interview with Ayatollah Gharavi Esfahani”**. *Masjed Magazine*, 25: 91.
- Gridi, Javan (1998). **Christianity and Heresies**. Translated by Abdolrahim Soleimani. Qom: Taha Cultural Institute.
- Hashemi, Seyed Hamed Hossein & Alireza Zahedi Asl (2018). **“Apostasy and Freedom of Thought; Comparative Comparison of Islam, Christianity and Judaism”**. *Discourse of Jurisprudence and Principles*, 4: 37-66.
- Halabi, Hamza Ibn Ali ibn Zohra (1417 AH). **Ghani Al-Wa'a'lami Al-Osul wa Al-Furu'**. Research by Ibrahim Bahadori. Qom: Imam Sadegh (AS) Institute.

- Helli, Hassan Ibn Yusuf ibn Mother (1414 AH). **Tazkerat al-Fiqh**. Qom: Al-Bayt Foundation.
- Hor Ameli, Muhammad ibn Hassan (1409 AH). **Details of Shiite means to study Sharia issues**. Qom: Al-Bayt Foundation.
- Ibn al-Qaddama, Mufqad al-Din (1404 AH). **Al-Mughni**. Beirut: Dar al-Fikr.
- Ibn Manwian, Ibrahim ibn Muhammad ibn Salem (1378 AH). **Minar al-Sabeel fi Sharh al-Dalil**. Damascus: Al-Hashimiya Press.
- Ibn Manzur, Muhammad ibn Mokaram (1414 AH). **Language of the Arabs**. Beirut: Dar Sader.
- Imam Khomeini, Ruhollah (1409 AH). **Tahrir al-Wasilla**. Qom: Dar al-Kitab al-elmiya Ismailian.
- Irvani, Javad; Et al. (2019). **“Re-reading the subject of" apostasy "from the perspective of forcing a change of opinion in the light of Quranic and hadith teachings”**. *Meshkat*, 142: 50-70.
- Javadi Amoli, Abdullah (2014). **Tafsir Tasnim**. Qom: Esraa Publications.
- Johari, Ismail Ibn Hammad (1407 AH). **Al-Sahah**. Beirut: Dar al-Malayan.
- Kamali, Mohammad Mahdi; Et al. (2016). **“Stability or relativity of moral propositions from the perspective of Allameh Tabatabai”**. *Teachings of Islamic Philosophy*, 18: 7-51.
- Karamipour, Allah Karam (2013). **“Religion and personality change”**. *Religious Research*, First Year, No. 2: 99-116.
- Kermani Mohammad Behzad (2008) **“Mysterious apostasy; An Exploration of Jewish Political Mysticism”**. *Religious Anthropology*, Vol. 5, 16: 3-17.
- Khachiki, Saro (1982). **Principles of Christianity**. Tehran: Eternal Life Publications.
- Khoei, Seyyed Abolghasem (2007). **Basics of completing the curriculum**. Qom: Imam Khoii Revival Institute, third edition.
- Klini, Mohammad Ibn Yaqub (1407 AH). **Al-Kafi**. Tehran: Islamic Library.
- Kohan, Abraham (2003). **A Treasure of the Talmud**. Translated by Fereydoon Gorgani. Tehran: Myths.
- Kung, Hans (2005). **History of the Catholic Church**. Translated by Hassan Ghanbari. Qom: Center for the Study and Research of Religions and Religions.
- Mohaqeq Helli, Abu al-Qasim Ja'far ibn Hassan ibn Yahya ibn Sa'id (1389 AH). **Sharia al-Islam**. Najaf, Al-Adab Press.
- Montesquieu, Charles Louis (1983). **The Spirit of Laws**. Translated by Ali Akbar Mohammadi. Tehran: Amirkabir, eighth edition.
- Motahhari, Morteza (1999). **Spiritual Freedom**. Tehran: Sadra.
- Mughniyeh, Mohammad Javad (1404 AH). **Jurisprudence on the five religions**. Beirut: Dar al-Jawad, Dar al-Tayyar al-Jadeed.

- Najafi, Mohammad Hassan (1991). **Jawahar al-Kalam fi Sharia al-Islam**. Qom: Sadra.
- Ouda, Abdul Qadir (No Date). **Islamic Criminal Legislation**. Beirut: Dar Al-Katib Al-Arabi.
- Qomi, Mirza Abolghasem (No Date). **Jame Al-Shattat**. Lithography, BiJa, BiNa.
- Ragheb Isfahani (1998). **Dictionary of Quranic Words**. Research by Nadim Marashli. Qom: Mortazavi.
- Rahnama, Ishaq (2012). **A Study of Nodini Theories; Emphasizing the approach of Luis Rambo**. Master Thesis of Ebrahimi Religions. Qom: University of Religions.
- Sabri, Hafez (No Date). **Comparisons and Opposites**. Egypt: Indian Press.
- Sarami, Saifullah (1997). **Ruling on Apostasy from the Perspective of Islam and Human Rights**. Tehran: Presidential Strategic Research Center.
- Shahid Thani, Zayn al-Din (No Date). **Rasa'il al-Shahid**. Qom: Basirati Library Publications.
- Shahid Thani, Zayn al-Din (1389 AH). **Rawdah al-Bahiya, Sharh al-Lama'a al-Damashqiyyah**. Research by Sayyad Muhammad Kalantar. Qom: Al-Najaf religious community.
- Sobhani, Jafar (2003). **Introduction to New Issues in Theology**. Qom: Imam Sadegh (AS) Institute.
- Soleimani, Abdul Rahim (2003). **Judaism**. Qom: Verses of love.
- Tabatabai, Mohammad Hussein (1417 AH). **Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran**. Beirut: Al-A'lami Press Foundation.
- Tawfiqi, Hossein (2006). **Introduction to Great Religions**. Tehran: Taha Publications.
- Tawfiqi, Hossein (2005). **Introduction to the world's major religions**. Tehran: Samat, seventh edition.
- Tusi, Muhammad ibn Hassan (1387 AH). **Extended in Imami jurisprudence**. Tehran: Mortazavi Library for the Revival of Al-Jaafari Works.
- Tusi, Khawaja Nasir al-Din (1407 AH). **Abstraction of Belief**. Qom: Islamic Propaganda Office.